

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره یازدهم، بهار ۱۴۰۳: ۱۳۳-۱۵۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۶

نوع مقاله: پژوهشی

## شناسایی نشانه‌های گفتمانی قدرت و عدم قدرت در گفتمان دادگاه‌های کیفری ایران

\* بهمن گرجیان

\*\* الخاص ویسی

\*\*\* ثریا سبهبانی

### چکیده

زبان‌شناسی حقوقی به عنوان علمی نوپا و مؤثر در واکاوی گفتمان نوشتاری و گفتاری در پرونده‌های دادگاه و تسهیل روند دادرسی کارساز بوده، شاخه‌ای از زبان‌شناسی کاربردی است که در تحلیل گفتمان عوامل دادگاه و کشف ساختار و سبک سخن در مستندات دادگاه، محققان را یاری می‌رساند. پژوهش حاضر، تحلیل مکالمات قضات و متهمان دادگاه‌های کیفری ایران را با توجه به نظریه قدرت و عدم قدرت انجام داده است. روش پژوهش، ترکیبی و از نوع کمی و کیفی است. سؤال اصلی درباره کشف بسامد الگوهای گفتاری قضات و متهمان در ۲۹ پرونده معروف و شناخته‌شده است. تحلیل این الگوها در مکالمات قضات و متهمان از منظر زبان‌شناسی حقوقی، موضوع این پژوهش بوده است. داده‌های این مطالعه از مکالمات دادگاه در درگاه آپارات جمع‌آوری شد. تحلیل کیفی داده‌ها و تحلیل استنباطی انجام شد. نتایج این پژوهش درباره متغیر «قدرت» نشان داد که از میان شاخص‌های مقوله قدرت، قضات در بهره‌گیری از دو شاخص «استفاده از جمله‌های القایی، سؤالات هدایتگر و بسته» و «استفاده از

---

\* نویسنده مسئول: دانشیار گروه زبان انگلیسی، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران

bahgorji@yahoo.com

veysi@pnu.ac.ir

\*\* دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

\*\*\* دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی، پژوهشکده تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش خوزستان، ایران

armaghan.2007@gmail.com



جمله‌های امری» دارای اختلاف معنادار با متهمان بودند. در مقوله عدم قدرت مشخص شد که متهمان در استفاده از تمامی شاخص‌ها، به جز شاخص «ارجاع به منبع قدرت»، دارای اختلاف معنادار با قضات بودند. نتایج این پژوهش در تربیت قضات قبل و در حین خدمت منجر به افزایش دانش زبان‌شناسی و تحلیل گفتمان آنها می‌گردد.

**واژه‌های کلیدی:** زبان‌شناسی حقوقی، قدرت، گفتمان دادگاه، قاضی و متهم.

## مقدمه

زبان‌شناسی حقوقی، حوزه‌ای از زبان‌شناسی کاربردی است که به مطالعه علمی زبان در سیستم قضایی می‌پردازد. این رویکرد نوین در مجامع علمی حقوق و زبان‌شناسی از سال ۱۹۹۷ در جوامع زبانی و حقوقی آمریکا و اروپا مورد استقبال قرار گرفت و به سرعت رو به توسعه نهاد (حساس‌خواه و ارجمندی، ۱۳۹۹: ۲۰۶). این حوزه در نظر دارد تا با کاربست یافته‌های زبان‌شناسی در نظام حقوقی، به تحلیل گفتمان حقوقی مبادرت نماید (زائری و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۵۰). اولسن<sup>۱</sup> (۲۰۰۴)، یکی از شاخه‌های مهم زبان‌شناسی حقوقی را «زبان و گفتمان دادگاه»<sup>۲</sup> عنوان می‌کند. این مقوله، رابطه میان افراد حاضر در دادگاه و زبان مورد استفاده آنان را مورد توجه قرار می‌دهد (سیدرمضان و پورمسجدیان، ۱۴۰۰: ۳۱۶).

دادخواهی و شکایت از تضییع حق در دادگاه‌ها مطرح شده، منجر به شکل‌گیری گفتمان دادگاه می‌گردد. دادگاه، محل یا جلسه‌ای است که در آن به شکایات و اتهامات زده شده به اشخاص، سازمان‌ها و نهادها رسیدگی می‌گردد (Hutauruk et al, 2022: 6910). افراد حاضر در دادگاه، اشخاصی چون قاضی، نماینده دادستان، متهم، مطلع، شاهد و وکیل هستند که مسائل مختلف زبانی از قبیل قدرت، پیش‌داوری، برخورد فرهنگ‌ها، اصول ادب، کنش‌های گفتاری و غیره در کلام این افراد بررسی می‌گردد (ر.ک: آفاگل‌زاده، ۱۳۹۱، ۱۳۹۴). گفتمان دادگاه در دو قالب گفتاری و نوشتاری شکل می‌گیرد. در گفتمان گفتاری، زبان گفتاری از قبیل مکالمات و مصاحبه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد و در گفتمان نوشتاری، به متون نوشتاری از قبیل اسناد و نامه‌ها پرداخته می‌شود. حل یک مناقشه حقوقی و اجرای قانون، چه از نوع گفتمانی باشد و چه نوشتاری، فرایند کاملاً پیچیده‌ای است و ملزومات خود را می‌طلبد (Mohammed Ali, 2020: 64). این پژوهش، گفتمان دادگاه را از منظر گفتاری واکاوی می‌کند.

به اعتقاد آفاگل‌زاده، زبان دادگاه، منبع غنی‌ای از اطلاعات در زمینه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و دیگر رشته‌های علوم انسانی فراهم می‌آورد. بیشتر پژوهش‌های انجام‌گرفته درباره زبان و گفتمان دادگاه، حول دو رویکرد اصلی جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی صورت پذیرفته است. در رویکرد جامعه‌شناسی، به گفتمان

1. Olsson  
2. court discourse

دادگاه به عنوان یک پدیده اجتماعی نگریسته می‌شود، نه یک فعالیت زبانی. از این منظر، مطالعه گفتمان دادگاه به منظور روشن ساختن ویژگی‌های خاص یک جامعه و پی بردن به مفهوم نظم اجتماعی انجام می‌گیرد. این در حالی است که هدف از رویکرد زبانی، بررسی جنبه‌های مختلف این نوع گفتمان از دیدگاه زبانی است (عباس‌زاده و دیگران، ۱۴۰۰: ۴۲۶).

در دستگاه قضا، پیش از آنکه درباره پرونده‌ای تصمیم‌گیری شود، باید در دادگاه و در مقابل رئیس و یا قاضی درباره آن بحث و بررسی صورت گیرد. نقش اصلی و اجتناب‌ناپذیر دادگاه، تصمیم‌گیری درباره هر مسئله‌ای است که در پیشگاه آن ورود نموده است. منطبق نبودن رفتار اجتماعی افراد با قوانین، چه از نوع کیفری باشد و چه مدنی، شالوده این مسائل را تشکیل می‌دهد (بریگز، ۱۳۹۷: ۱۷۴). هرچند رخدادهای کلامی مختلف از جمله تعامل قاضی با وکیل، قاضی با شاهد و یا وکیل با وکیل در فرایند کلی محاکمه، تعیین‌کننده است و عناصر ساختاری مذاکرات دادگاه را شکل می‌دهد، گفتمان قاضی و متهم معمولاً هسته مرکزی این فرایند تلقی می‌گردد. این مرحله بسیار مورد توجه ناظران حقوقی و زبان‌شناختی‌ای که درگیر مسئله توزیع قدرت و عملکردهای قانونی هستند، قرار گرفته است (سلطانی، ۱۳۸۷: ۷۴).

زبانی که در گفتمان دادگاه به کار می‌رود، دارای چند ویژگی است. مهم‌ترین ویژگی این زبان، ارباب‌کنندگی و قهریت آن است که از نابرابری قدرت در این بافت سرچشمه می‌گیرد (عباس‌زاده و دیگران، ۱۳۹۹: ب: ۳۲۷). از جمله مباحث مهم مطرح‌شده در تحلیل مکالمات دادگاه، پرداختن به مفهوم قدرت و بررسی ساختار آن در این نوع گفتمان است (ر.ک: دهقان و مهربانی، ۱۴۰۱). در مطالعات این حوزه، روابط میان گفتمان و قدرت اجتماعی تبیین و تحلیل می‌شود (ر.ک: صبری و دیگران، ۱۳۹۷). از آنجا که عدم توازن در تعاملات اجتماعی همیشه به واسطه کنش‌های گفتاری دیده نمی‌شود، مناسبات قدرت، امری پیچیده تلقی می‌گردد (ر.ک: آقاگل‌زاده، ۱۳۹۱).

کمبود پژوهش در بررسی نظریه‌های کاربردی زبان در حوزه زبان‌شناسی حقوقی، آن هم در بافت دادگاه و در ابعاد گسترده‌ای که بتواند تمام دادگاه‌های کیفری کشور را تحت پوشش قرار دهد، خللی بود که در عرصه تحلیل مکالمه احساس می‌شد (ر.ک: عباس‌زاده و دیگران، ۱۴۰۰). در واقع اهمیت این پژوهش در شفاف‌سازی مکالمات بافتی از

جامعه (دادگاه) است که به دلایل زیادی از جمله امنیتی و حقوقی، قابل دسترس نیست و پژوهشگران با مشاهده این موانع، کمتر به کار در این حوزه رغبت نشان می‌دهند. اهداف اصلی شامل کشف ساختارهای مکالمات دادگاه و نحوه نمود مسئله قدرت در گفتمان قضات و متهمان می‌گردد که در این رابطه، تأثیر این ساختارها در نفوذ کلام این دو گروه به عنوان عناصر اصلی دادرسی مورد بحث و نتیجه‌گیری قرار خواهد گرفت. این پژوهش قصد دارد تا به این دو سؤال پاسخ دهد:

۱. شاخص‌های قدرت و عدم قدرت به چه میزان در مکالمات قضات و متهمان استفاده می‌شود؟
۲. چه تفاوتی میان قضات و متهمان در به‌کارگیری از مقوله قدرت و عدم قدرت وجود دارد؟

### پیشینه پژوهش

درباره متغیر مورد پژوهش، مطالعات چندانی در تحلیل مکالمات دادگاه صورت نگرفته است. در میان بررسی‌های انجام‌شده می‌توان به مطالعات اخیر اشاره کرد: تقی‌پور و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی رابطه میان زبان و قدرت در دادگاه‌های کیفری ایران مبادرت نموده و در بخشی از پروژه تحقیقاتی خود، شاخص‌های زبان‌شناختی قدرت و عدم قدرت را بر پایه آرای گیبونز (۲۰۰۳) در شانزده پرونده و در تعاملات قاضی و متهم بررسی کرده‌اند. در تحلیل این مکالمات مشخص شد که قاضی به ترتیب بسامد، از شاخص‌های زبان‌شناختی «پرسش القایی»، «تهدید، استهزا، سرزنش و فحش»، «قطع سخن» و «تکرار» در جهت اعمال قدرت بهره گرفته است. وقوع این شاخص‌ها از طرف متهم به جز در مورد «قطع سخن»، صفر بوده است.

مؤمنی و عزیزی (۱۳۹۴) در پژوهش دیگری با عنوان «نقش تغییر موضوع و نقض اصول گرایس توسط متهم در بازجویی‌ها» که در بررسی پرونده‌های آگاهی تهران بزرگ انجام گرفت، به روابط قدرت در گفتمان بازجو و متهم اشاره نمودند. این دو پژوهشگر ضمن ادعان به این مسئله که در بازجویی روابط قدرت حاکم است و افراد حاضر در این گفتمان از رابطه قدرت و گفتمان بالقوه آن مطلع هستند، در مشاهده‌های خود اعلام

نمودند که بازجو هر جا که بخواهد، کلام متهم را قطع می‌کند؛ ولی متهم نمی‌تواند متقابلاً به این عمل مبادرت نماید. این پژوهشگران در نتایج کار خود عنوان نمودند که بازجویان با در دست داشتن دلایل پرونده، طرح سؤالات فنی، تجزیه و تحلیل کلام مظنونین و همچنین با استفاده از ابزار زبان‌شناختی تلاش می‌کنند، ولی به موارد اعمال قدرت در جمع‌آوری مستندات، کشف حقیقت و شناسایی مجرم از بین مظنونین نپرداختند.

باغبانی و کرم‌پور (۱۳۹۶) به بررسی چگونگی رابطه میابین شاخص قدرت و پدیدهٔ ادب کلامی در روند بازجویی به لحاظ زبان‌شناختی با استفاده از راهبردهای ادب براون و لوینسون<sup>۱</sup> پرداختند. از نظر آنها، تأثیر عامل قدرت در گفتمان دادگاه کیفری و روند بازجویی با عوامل زیادی همچون شرایط اختصاصی بافت موقعیتی جلسه بازجویی و تفاوت سطح اجتماعی بین بازجوی پلیس و متهم ظهور می‌یابد. این پژوهش درباره گفتمان بین‌فردی بازجو و متهم بود و به اعمال قدرت و بررسی نشانه‌های آن در قدرت اشاره نکرده است.

نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش صبری و همکاران (۱۳۹۷) در تحلیل گفتمان پلیس-متهم در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی حقوقی نشان داد که با اعمال قدرت می‌توان مسیر بازجویی را به‌خوبی پیش برد؛ زیرا متهمان به دلیل نبودن فشار و تهدید از پاسخگویی به سؤالات طفره می‌روند؛ ولی با اعمال فشار و لحن تهدید که از نشانه‌های قدرت است، می‌توان مسیر بازجویی را به‌خوبی پیش برد.

دهقان و مهربانی (۱۴۰۱) در تحقیق «بازنمایی مؤلفه‌های گفتمانی و کلا در اقناع قاضی از منظر زبان‌شناسی حقوقی (مطالعهٔ موردی: گفتمان پرونده‌های کیفری)» عنوان کرده‌اند که از دو نکته در اظهارات قاضی این است که وی در مرحله نخست از پرسش‌های القایی در راستای کشف حقیقت از زبان متهم استفاده می‌کند و در مرحله دوم از استراتژی‌های تهدید و استهزا پیروی می‌نماید تا به هدف مورد نظر خود که همان روشن‌سازی نقاط تاریک و کور پرونده است، دست یابد. همچنین در تحلیل شاخص‌های زبان‌شناختی عدم قدرت در تعامل، به ترتیب شاخص‌های «توجیه، انکار، طفره یا اجتناب»، «خطاب محترمانه» و «عبارت احتیاط‌آمیز» حاوی بیشترین تا کمترین

میزان بسامد در اظهارات متهم بودند. در این میان، قاضی نیز از شاخص «خطاب محترمانه» به میزان اندک بهره برده است. در این رابطه، بنا به اعلام پژوهشگران، هر جا که قاضی به شکل محترمانه‌ای، متهم را مورد خطاب قرار داده است، در همان جمله از عبارت تهدیدی هم استفاده نموده که این امر بیانگر تناقض در سخنان وی بوده و نشان می‌دهد که این نوع خطاب‌ها در معنای واقعی خود به کار نرفته‌اند.

منصفی<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) در یک مطالعه موردی، فرایند بازجویی را در محاکم دادرسی بررسی کرد. در این باره، وی در جلسات متوالی یک پرونده حقوقی، به کارکرد انواع سؤالات اعم از سؤالات بله/خیر، سؤالات حاوی کلمات پرسشی و سؤالات ضمیمه‌ای در پرسش‌های وکلا از شهود و خواننده پرداخت. او با اذعان به این مسئله که سؤالات بله/خیر، دارای پاسخ‌های محدود و کنترل شده است و سؤالات حاوی کلمات پرسشی، دارای پاسخ‌های نامحدود و غیرکنترل شده می‌باشند، به این نتیجه رسید که سؤالات بسته از نوع بله/خیر، پربسامدترین نوع پرسش در جلسه‌های بازجویی از شهود و خواننده را تشکیل می‌دهد. منصفی علت این امر را در نوع پاسخ‌دهی به اینگونه سؤالات و محدود نمودن سخنان شهود و خواننده برای رسیدن به اهداف پرونده تشخیص داد که موجب سلب قدرت از آنان می‌گردد.

هیدون<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) در بخشی از مطالعات خود، کاوشی در زمینه نقش گفتمان سازمانی پلیس، درون ساختار مصاحبه پلیس-مظنون برحسب روابط قدرت بین شرکت‌کنندگان و انجام موفقیت‌آمیز قوانین و مقررات سازمانی صورت داده است. پژوهش وی، جنبه‌های سازمانی مصاحبه پلیس را در الگوی مکالمات برجسته می‌سازد و مبنایی برای تجزیه و تحلیل گفتمان انتقادی فراهم می‌آورد. در این باره او، سه عنصر «قدرت، گفتمان و ساختار» را در تعاملات حقوقی عنوان می‌کند. به زعم وی، هر دو طرف مکالمه (پلیس به عنوان مصاحبه‌کننده و مظنون به عنوان مصاحبه‌شونده) تاحدی قدرت دارند که با توجه به نقش اجتماعی آنان، این قدرت محدود می‌گردد. تجزیه و تحلیل هیدون بیانگر تفاوت در نقش‌های افراد شرکت‌کننده در مصاحبه در سیستم عدالت کیفری بود و اینکه چگونه دو طرف به سرنخ‌های مکالمه با توجه به توالی گفتمان، تفاوت قدرت و

توقعات سازمانی دسترسی دارند. در پژوهش او مشخص شد که تفاوت قدرت در مصاحبه‌های انجام‌شده پلیس، بسیار برجسته است. از این‌رو این پژوهشگر، روش‌هایی را پیشنهاد می‌کند تا در زمان اقرار مصاحبه‌شوندگان - با توجه به حقوق قانونی و اخلاقی افراد و با در نظر گرفتن اهداف سازمانی در مکالمات - بی‌عدالتی‌ای صورت نگیرد.

کُنلی و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۷۸) در بخشی از پژوهش خود با عنوان «زبان قدرت: سبک ارائه در دادگاه»، ابتدا به بررسی و مقایسه ویژگی‌های سبک شهادت قوی و ضعیف در پاسخی که شهود مرد و زن به وکلا می‌دهند، پرداختند. در این پژوهش، آنان تلاش نمودند تا تأثیر استفاده و عدم استفاده از شاخص‌های عدم قدرت را که منجر به ارائه سبک شهادت قوی و ضعیف می‌شود، در مخاطبان بررسی نمایند. این شاخص‌ها عبارت بودند از: استفاده از عبارات احتیاط‌آمیز، استفاده از تردید و تأمل، پرسش از وکیل (به شکل تکرار سؤال به صورت جمله خبری و با آهنگ خیزان و یا سؤالاتی مثل «منظورتون چیه؟»)، استفاده از واژه «آقا» و همچنین استفاده از تشدیدکننده‌ها. پژوهشگران در نوارهای جداگانه به ضبط صدای شهود مرد و زن که حاوی سبک گفتار قوی (استفاده نکردن از شاخص‌ها) و سبک گفتار ضعیف (استفاده از شاخص‌ها) بود. این تحقیق، تأثیر سبک‌های گفتاری را بررسی نموده بود، ولی به طور واضح به نشانگرهای کلامی قوی و ضعیف اشاره نکرده بود.

بررسی و نقد تحقیقات اخیر در حوزه زبان‌شناسی حقوقی و گفتمان قدرت و ادب نشان داد که شناسایی نشانگرهای گفتمانی قدرت و عدم قدرت در گفتمان دادگاه‌های کیفری ایران تاکنون انجام نشده است. نشانگرهای گفتمانی به روشن شدن این مسئله کمک می‌کند که بازپرس، قاضی، وکیل و متهم از چه نشانگرها و با چه اهدافی استفاده می‌نمایند تا در کار خود موفق شوند. تحلیل قدرت و عدم قدرت می‌تواند به دست‌اندرکاران روند دادرسی کمک کند که ترفندها و راهبردهای کلامی مؤثر را در کاربرد این نشانگر یافته، در دادگاه استفاده نمایند. این آگاهی همچنین می‌تواند در مسائل مربوط به حقوق و زبان‌شناسی و همچنین به ادبیات موجود درباره تجزیه و تحلیل مکالمات دادگاه کمک بسیاری کند.



## چارچوب نظری پژوهش

مفهوم قدرت در بافت دادگاه، برخی مسائل را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. برای مثال، شیوه ارتباطی گفتمان (نوشتاری یا گفتاری)، ژانر گفتمان (رسمی یا غیر رسمی)، کنش گفتاری مورد استفاده در گفتمان، تعیین فرد آغازگر سخن و قطع کننده کلام در توالی‌های گفتمانی و مواردی از این دست تعیین می‌شود. بر این اساس ممکن است در این بافت از متهم بخواهند به زبان معیار صحبت کند؛ صرفاً در راستای سؤالات مطرح شده، پاسخ خود را بیان نماید؛ مادامی که به او اذن سخن نداده‌اند، کلامی نگوید؛ محترمانه سخن بگوید و تنها حول موضوع مورد نظر تکلم نماید (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۹).

آقاگل‌زاده به نقل از گیبونز (۲۰۰۳)، شاخص‌های زبان‌شناسی قدرت را اینگونه معرفی می‌کند (همان: ۱۶۳-۱۶۴):

۱. بلندی صدا و تغییرات در بلندی صدا (تغییر در لحن صدا)<sup>۱</sup>
  ۲. بالا بودن زیر و بمی صدا<sup>۲</sup> (تغییر در آهنگ صدای افتان و خیزان)
  ۳. تکرار کلام یا عبارت
  ۴. مکث‌های بی‌صدا<sup>۳</sup> بیشتر از مکث‌های صدادار<sup>۴</sup> (مثل ممممممممم، |||||)
  ۵. قطع سخن<sup>۵</sup>
  ۶. تسلط (استفاده از کنش‌های گفتاری تهدید، استهزا، سرزنش، فحش و تأکید، نشانگر تسلط فرد هستند).
  ۷. ارتباط در سخن (هماهنگی قاضی و متهم در موضوع گفتمان)
- در ادامه همین مبحث، آقاگل‌زاده شاخص‌های زبان‌شناسی عدم قدرت را نیز به نقل از گیبونز به شرح زیر اعلام می‌دارد:

۱. استفاده از عبارات احتیاط‌آمیز<sup>۶</sup>: این نوع عبارات برای نشان دادن میزان کم یا زیادی از تعهد، شفافیت، ارتباط و وابستگی در کلام به کار می‌رود. بنابراین

---

1. tone  
2. intonation  
3. silent pauses  
4. filled pauses  
5. interruption  
6. hedges

هدف از آن، کاهش و یا افزایش ابهام است؛ مانند استفاده از عبارت «تا آنجا که می‌دانم، کمی، تقریباً، تاحدی».

۲. تردید و تأمل<sup>۱</sup> (با استفاده از پرکننده‌های مکث مثل «آ، اوم، آ» و حرف‌های بی‌معنی مانند «خوب، حالا، بذار ببینم، پس، می‌بینید»)

۳. نامطمئن بودن<sup>۲</sup>

۴. استفاده از عباراتی چون قربان، جناب و...

۵. استفاده از کلمات تشدیدکننده<sup>۳</sup> مانند خیلی، مطمئناً، حتماً، قطعاً

۶. صرف زمان بیشتر برای ادای کلام (نسبت به افراد دارای قدرت)

۷. ابراز همدلی و همدردی<sup>۴</sup>

آقاگل‌زاده علاوه بر شاخص‌های زبان‌شناسی قدرت مورد نظر گیبونز (۲۰۰۳) که شرح آن از نظر گذشت، بروز قدرت در گفتمان را در گرو کاربست مؤلفه‌هایی چون پرسش‌های القایی، تهدید، استهزا، سرزنش، فحش و تأکید می‌داند. همچنین کاربرد مؤلفه‌هایی چون سوگند، توجیه، طفره، اجتناب، انکار یا تکذیب و نیز عباراتی را که در قالب احترام و تشکر به کار روند، از نشانه‌های عدم قدرت در گفتمان معرفی می‌نماید (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۵۳-۳۵۵). بر اساس این شاخص‌ها می‌توان افراد صاحب قدرت و فاقد آن را در گفتمان‌های دادگاه، دادسرا و حتی مراکز بازجویی پلیس از هم بازشناخت.

## روش پژوهش

پژوهش حاضر، تحقیقی ترکیبی و از نوع کیفی و کمی است و داده‌ها به دو روش توصیفی (محاسبه بسامد و درصد مؤلفه‌هایی که قضات و متهمان اظهار کرده‌اند) و استنباطی (محاسبه تطبیقی مکالمات قضات و متهمان با آزمون کی دو) تجزیه و تحلیل شد. در تجزیه و تحلیل متغیر این تحقیق، مؤلفه‌های آن به شرح زیر محدود شد:

مسئله قدرت و عدم قدرت در مکالمات دادگاه بر مبنای شاخص‌های مدنظر گیبونز

---

1. hesitation  
2. uncertainty  
3. intensifiers  
4. mitigation

(۲۰۰۳) و آقاگل‌زاده (۱۳۹۱) بررسی می‌شود که عبارت از «بلندی صدا (سخن اعتراض‌آمیز)»، «تکرار و تأکید بر کلام»، «قطع سخن»، «تسلط (ناسزا، سرزنش، نصیحت، تذکر، بیان عقاید، مخالفت، استهزا، خودبرتربینی، کنایه، تهدید و ایرادگیری)»، «جمله-های القایی و هدایتگر»، «جمله‌های امری» برای اعمال قدرت و استفاده از «عبارات احتیاط‌آمیز و پرکننده‌های مکث مثل اِ، آ، اوم، ...»، «انکار، توجیه، توضیح، طفره، تکذیب»، «نشانگرهای احترام و تشکر»، «مظلوم‌نمایی، التماس، پذیرش»، «ارجاع به منبع قدرت» و «اظهار ندامت و عذرخواهی» به عنوان ابزاری برای نمایش عدم قدرت هستند.

درباره داده‌های این پژوهش، محقق در نظر داشت که آن را به روش میدانی و مستقیم و با حضور در دادگاه منطقه محل سکونت و با ثبت مکالماتی که در گفتمان دادگاه رخ می‌دهد، به صورت چهره به چهره انجام دهد. اما به دلیل برخی مسائل که عرف دادگاه است، از حضور پژوهشگر و استفاده از ابزار ضبط صوتی مانعت گردید. بنابراین پژوهشگر از فضای مجازی استفاده نمود و پس از جست‌وجو در درگاه‌های اینترنتی، فیلم‌های مربوط به جلسه‌های علنی دادگاه‌های انقلاب ایران از درگاه آپارات استخراج شد.

از آنجا که اغلب فیلم‌های دادگاهی موجود در فضای مجازی به دلایل امنیتی و حقوقی، به لحاظ زمانی بسیار کوتاه و فاقد مکالمات دوطرفه (سؤال- جواب) بین گوینده و مخاطب بود، از این‌رو پژوهشگر درصدد یافتن فیلم‌هایی با بازه زمانی بیشتر، در برخی موارد از تکرار و تشابه موضوع بین پرونده‌ها چشم‌پوشی نمود تا از این طریق به زمان بیشتری از مکالمات و به تبع آن، تعداد سؤالات و پاسخ‌های بیشتر دست یابد. به این ترتیب تعداد ۲۹ فیلم کوتاه و بلند و در مجموع ۳۱۵ دقیقه و به تعداد ۵۳۰۵ جمله (۲۴۱۱ جمله مربوط به قضا و ۲۸۹۴ جمله متعلق به متهمان) با موضوعات مختلف کیفری از قبیل سرقت، درگیری، آدم‌ربایی، قتل، آزار زنان، اختلاس، عملیات تروریستی، جاسوسی، فساد نفتی، فساد بانکی و غیره در پیکره زبانی این تحقیق قرار گرفت. در این پیکره زبانی، فراوانی نشانگرهای قدرت و عدم قدرت مکالمات بین قاضی و متهم مورد نظر و تحلیل قرار گرفت. برای اطمینان از روایی و پایایی پژوهش حاضر، بیست درصد از

داده‌ها را دو زبان‌شناس بررسی کردند و از طریق رابطه همبستگی پیرسون، ضریب روایی (۰/۸۲) به دست آمد. به عبارت دیگر در ۸۲ درصد موارد تحلیلی، توافق حاصل شد. از آمار استنباطی (آزمون کی دو<sup>۱</sup>) به وسیله نرم‌افزار آماری SPSS<sup>۲</sup> نسخه ۲۴ برای تشخیص اختلاف معنادار بین فراوانی نشانگرهای قدرت و عدم قدرت در مکالمات قضات و متهمان در متغیر این پژوهش استفاده شد. آزمون کی دو به این دلیل بود که داده‌های این پژوهش، کیفی و شامل آمار ناپارامتریک می‌شدند که با تحلیل داده‌های این پژوهش، گروه قضات و متهمان، مقایسه شده، رابطه معناداری آنها کشف گردید (Creswell, 2009: 124). در آمار توصیفی نیز بسامد و درصد و همچنین بیشترین و کمترین بسامد گزارش شد. در بررسی این آمار، وجود حداقل بیست درصد اختلاف در بسامد مؤلفه‌های متغیر قدرت و عدم قدرت بین قاضی و متهم، به منزله اختلاف حداقلی در نظر گرفته شد (Bogdan & Biklen, 2007: 201).

### تجزیه و تحلیل مکالمات دادگاه بر مبنای متغیر قدرت و عدم قدرت

در این بخش، از میان ۲۹ عنوان دادگاه و حجم بالای تحلیل‌های انجام‌گرفته بر اساس شاخص‌های مقوله قدرت و عدم قدرت، به دلیل محدودیت فضا، فقط به واکاوی بخشی از مکالمات دادگاه بین قاضی و متهم اشاره شده، در انتها، جداول و نمودارهای آماری ارائه می‌شود.

دادگاه - بخشی از مکالمات دومین جلسه رسیدگی به پرونده علیرضا جهیزی، رئیس اداره تنظیم بازار جهاد کشاورزی استان تهران به اتهام فروش آزاد گوشت‌های دولتی به ریاست قاضی صلواتی (پرونده اخلال‌گران و مفسدان اقتصادی)  
قاضی: شما شدید وکیل وصی مردم. گوشت مردم رو خارج از تشکیلات می‌فروشید، رشوه هم می‌گیرید! (تسلط (استهزا و سرزنش)/ قدرت)

متهم: من //

قاضی: واقعاً جای تأسف داره. (قطع سخن متهم، تسلط (سرزنش)/ قدرت)

متهم: من، من چیزی به اسم رشوه ازشون نگرفتم. (انکار/ عدم قدرت)

1. Chi-square (X2)  
2. Statistical Package for Social Sciences

قاضی: آقای مدنی (اسم مستعار) چی؟ (پرسش القایی / قدرت)

متهم: بله مدنی هم همین. (انکار / عدم قدرت)

قاضی: چقدر گوشت برده؟ (پرسش هدایت‌گر / قدرت)

متهم: آقای مدنی شاید دو تُن، سه تُن گوشت برده. (استفاده از عبارات احتیاط‌آمیز /

عدم قدرت)

قاضی: دو تُن گوشت منجمد گوسفندی برده؟ (سؤال بسته (از نوع تأییدی) / قدرت)

متهم: بله، بله // گوشت منجمد

قاضی: // دو تُن گوشت منجمد برزیلی برده؟ (سؤال بسته (از نوع تأییدی) / قدرت)

متهم: غیر از اینم مرغ می‌برد // (در اینجا، متهم برخلاف اینکه باید به پرسش

تأییدی مطرح‌شده، پاسخ مثبت و یا منفی بدهد، از پاسخ صریح خودداری نموده، به

طور ضمنی و با پیش کشاندن موضوع دیگر، جواب قاضی را می‌دهد. «طرفه از پاسخ»،

شاخص عدم قدرت در گفت‌وگو است. همچنین «قطع سخن» که در اینجا، قاضی انجام

داده است، از نشانه‌های قدرت در گفت‌وگو قلمداد می‌شود.)

قاضی: چقدر رشوه ازش گرفتی؟ (پرسش القایی و هدایت‌گر / قدرت)

متهم: من از ایشون و نه از هیچ‌کدوم از اینها رشوه نگرفتم. (انکار / عدم قدرت)

قاضی: شما چه رئیس اداره تنظیم بازاری بودی. (تسلط - سرزنش / قدرت) شما باید

دلسوز مردم باشی. (تسلط - سرزنش / قدرت) هشت میلیون رشوه ازش گرفتی! (جمله

القایی، تکرار جمله / قدرت)

متهم: رشوه نگرفتم // (انکار / عدم قدرت)

قاضی: خیلی‌ها حقوقشون کمه. ولی با آبرو زندگی می‌کنند. (قطع کلام متهم،

سرزنش متهم در قالب تکرار اتهام رشوه‌خواری به صورت غیر مستقیم / قدرت)

متهم: نه. نه. رشوه نگرفتم حاج آقا. (انکار، استفاده از نشانگرهای احترام / عدم قدرت)

من اگر رشوه می‌گرفتم، ببینید // (توجیه / عدم قدرت)

قاضی: شما کارمند دولت بودید؟ (قطع کلام متهم، پرسش هدایت‌گر و از نوع تأییدی /

قدرت)

متهم: من، بله. (در اینجا «مکت» می‌تواند نشانه تردید متهم در پاسخ باشد. «تردید و

تأمل» در گفتمان از شاخص‌های زبان‌شناسی عدم قدرت است).  
 قاضی: آقای مرتضی عسکری، ارباب رجوع شما بود؟ (پرسش هدایتگر و از نوع تأییدی/ قدرت)

متهم: - بله. (به زعم نگارنده، «مکت در گفتمان» در شرایطی که نوبت سخن در قالب بخش دوم زوج هم‌جوار پرسش-پاسخ به فرد واگذار شده است، نشان‌دهنده «تردید و تأمل» در پاسخ‌گویی است که از شاخص‌های زبان‌شناسی عدم قدرت در گفتمان است).  
 قاضی: شما چه حق داشتید بری از ارباب رجوع وام بگیرید؟! (تسلط - سرزنش/ قدرت)

متهم: من //

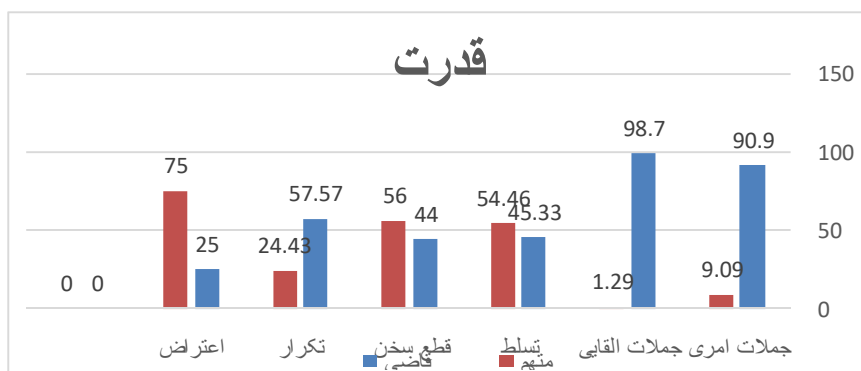
قاضی: یخچال فریزر بگیرید! (قطع سخن متهم، تسلط - سرزنش/ قدرت)  
 متهم: نه. اینطور نیست. (انکار/ عدم قدرت)

جدول ۱- متغیرهای قدرت و عدم قدرت

عدم قدرت					قدرت					
درصد	متهم	درصد	قاضی	شاخص‌ها	درصد	متهم	درصد	قاضی	شاخص‌ها	ردیف
۶۹/۳۳	۲۷	۳۰/۷۶	۱۲	عبارت احتیاط‌آمیز	۷۵	۴۵	۲۵	۱۵	اعتراض	۱
۹۷/۹۱	۱۴	۲/۰۸	۴	انکار و توجیه	۴۲/۴۲	۸۴	۵۷/۵۷	۱۱۴	تکرار	۲
۹۰/۹	۳۰	۹/۰۹	۴	احترام	۵۶	۴۲	۴۴	۳۳	قطع سخن	۳
۹۲/۳	۳۶	۷/۶۹	۴	التماس	۵۴/۶۶	۱۲۴	۴۵/۳۳	۱۰۲	تسلط	۴

۵	جمله‌های القایی و سؤالات هدایتگر	۲۲۸	۹۸/۷	۳	۱/۲۹	ارجاع به قدرت	۶	۵۰	۶	۵۰
۶	جمله‌های امری	۶۰	۹/۹	۶	۹/۹	عذرخواهی	۲	۱۰	۱۸	۹۰
	جمع	۵۵۲	۶۴/۵۶	۳۰۳	۳۵/۴۶	جمع	۲۹	۱۰۱۰	۲۵۸	۸۹/۸۹

جدول (۱) نشان می‌دهد که در بررسی شاخص‌های قدرت، شاخص «جمله‌های القایی، سؤالات هدایتگر و بسته»، بیشترین بسامد و شاخص «اعتراض»، کمترین فراوانی را در مکالمات قاضی داشته است. این در حالی است که در مکالمات متهم، شاخص «تسلط»، بیشترین میزان تکرار و شاخص «جمله‌های القایی، سؤالات هدایتگر و بسته» حائز کمترین میزان وقوع بوده است. علاوه بر این از جدول بالا و آمار حاصل از بررسی شاخص‌های عدم قدرت در مکالمات دادگاه چنین پیداست که در مکالمات قاضی، شاخص «عبارات احتیاط‌آمیز»، بیشترین تکرار و شاخص «عذرخواهی»، کمترین میزان وقوع را داشته است. همچنین در مکالمات متهم، شاخص «انکار و توجیه»، بالاترین میزان وقوع و شاخص «ارجاع به قدرت»، پایین‌ترین میزان تکرار را داشته است.



شکل ۱- نمودار درصد شاخص‌های متغیر قدرت در مکالمات دادگاه بین قاضی و متهم شکل (۱) نشان می‌دهد که قضات و متهمان، کم‌وبیش از شاخص‌های قدرت در مکالمات دادگاه بهره می‌برند. در این میان، قضات در استفاده از شاخص‌های «جمله‌های القایی، پرسش‌های هدایتگر و بسته»، «جمله‌های امری» و «تکرار» دارای اختلاف معنادار با متهمان هستند. متهمان نیز در استفاده از شاخص «اعتراض»، دارای اختلاف معنادار با قضات هستند. همچنین آنان بیش از قضات به استفاده از دو شاخص «قطع سخن» و «تسلط» مبادرت نموده‌اند.

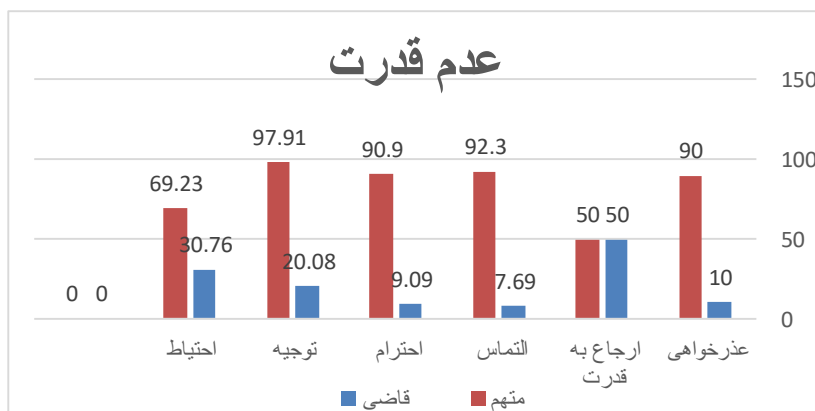
جدول ۲- تحلیل متغیر قدرت

ردیف	شاخص‌ها	قاضی	متهم	کی دو	درجه آزادی	معناداری
۱	اعتراض	۱۵	۴۵	۲۳۳/۱۸	۵	۰/۰۰۱
۲	تکرار	۱۱۴	۸۴			
۳	قطع سخن	۳۳	۴۲			
۴	تسلط	۱۰۲	۱۲۳			
۵	جمله‌های القایی، پرسش‌های هدایتگر و بسته	۲۲۸	۳			
۶	جمله‌های امری	۶۰	۶			
	جمع	۵۵۲	۳۰۳			

جدول (۲) نشان می‌دهد که قضات، بیش از متهمان از اعمال قدرت استفاده کرده و در مقایسه با متهمان با درجه آزادی ۵ در سطح معناداری ۰/۰۰۱ و کی دو ۲۳۳/۱۸



تفاوت معناداری دارند. به عبارت دیگر قضاات و متهمان، شاخص‌های قدرت را با اختلاف بسیار از یکدیگر در مکالمات دادگاه استفاده کرده‌اند. در نتیجه تحلیل شاخص‌های قدرت در مکالمات قضاات و متهمان در شکل (۲) آمده است.



شکل ۲- نمودار درصد شاخص‌های متغیر عدم قدرت در مکالمات دادگاه بین قاضی و متهم

شکل (۲) نشان می‌دهد که متهمان در مقایسه با قضاات، با اختلاف معنادار از تمامی شاخص‌های عدم قدرت، به جز شاخص «ارجاع به قدرت»، در مکالمات دادگاه بهره می‌برند. همان‌طور که مشخص است، قضاات به میزان اندک به استفاده از تمام شاخص‌ها مبادرت می‌نمایند.

جدول ۳- تحلیل متغیر عدم قدرت

ردیف	شاخص‌ها	قاضی	متهم	کی دو	درجه آزادی	معناداری
۱	عبارت احتیاط‌آمیز	۱۲	۲۷	۴۹/۸۵	۵	۰/۰۰۱
۲	انکار و توجیه	۳	۱۴۱			
۳	احترام	۳	۳۰			
۴	التماس	۳	۳۶			
۵	ارجاع به قدرت	۶	۶			
۶	عذرخواهی	۲	۱۸			
	جمع	۲۹	۲۵۸			

جدول (۳) نشان می‌دهد که متهمان بیش از قضاات، عدم اعمال قدرت دارند و در مقایسه با قضاات با درجه آزادی ۵، در سطح معناداری ۰/۰۰۱ و کی دو ۴۹/۸۵، تفاوت معناداری دارند. به عبارت دیگر قضاات و متهمان، شاخص‌های عدم اعمال قدرت را با اختلاف بسیار از یکدیگر در مکالمات دادگاه استفاده کرده‌اند. در نتیجه عدم استفاده یکسان از شاخص‌های عدم قدرت در مکالمات قضاات و متهمان، تأیید می‌گردد.

### بحث اصلی

در پاسخ به پرسش نخست پژوهش مبنی بر اینکه «شاخص‌های قدرت و عدم قدرت به چه میزان در مکالمات قضاات و متهمان استفاده می‌شود»، واکاوی آمار توصیفی مشخص کرد که در بررسی شاخص‌های قدرت، بالاترین بسامد در مکالمات قضاات با تعداد ۲۲۸ مورد، متعلق به شاخص «جمله‌های القایی، سؤالات هدایتگر و بسته» بوده و در متهمان، شاخص «تسلط» به میزان ۱۲۳ مورد، بیشترین فراوانی را داشته است. همچنین کمترین بسامد در مکالمات قضاات مربوط به شاخص «اعتراض» به تعداد ۱۵ مورد و در متهمان، شاخص «جمله‌های القایی، سؤالات هدایتگر و بسته» به میزان ۳ مورد بوده است.

همچنین بررسی شاخص‌های عدم قدرت نشان داد که در مکالمات قضاات، شاخص استفاده از «عبارت احتیاط‌آمیز» به میزان ۱۲ مورد و در متهمان، شاخص «انکار و توجیه» به تعداد ۱۴۱ مورد، بیشترین بسامد را داشته است. به‌علاوه کمترین بسامد وقوع در مکالمات قضاات متعلق به شاخص «عذرخواهی» به میزان ۲ مورد و در متهمان مربوط به شاخص «ارجاع به قدرت» به تعداد ۶ مورد بوده است.

در استفاده از نشانگرهای قدرت، نتایج به‌دست‌آمده نشان از وفور شاخص «جمله‌های القایی، سؤالات هدایتگر و بسته» در کلام قضاات دارد که ناشی از مقام و مسئولیت قاضی در جایگاه یک پرسشگر است. قضاات برای جلوگیری از انحراف متهمان از بحث و دستیابی به پاسخ‌های مورد نظر و نتایج مطلوب که همانا کشف حقیقت است، با طرح این نوع سؤالات، فرصت هرگونه زیاده‌گویی و یا طفره‌روی را از متهمان سلب نموده، به این ترتیب راه‌گریز را بر آنان می‌بندند. همچنین علت فراوانی حداکثر شاخص «تسلط»

در متهمان می‌تواند به نوع پرونده‌های مورد بررسی مربوط باشد که اکثراً به دادگاهی اتهامات مدیران و سیاست‌مداران ارشد نظام تعلق داشت.

درباره شاخص «اعتراض» متهمان که در فیلم‌ها مشاهده شد، یکی حرمت‌گذاری قضات در طول دادرسی با متهمان در صحن علنی دادگاه است و قاضی با تذکر یا توضیح پاسخ می‌دهد و دیگری اجرای رفتار اسلامی و توأم با مداراست. به‌علاوه حداقل فراوانی شاخص «جمله‌های القایی، سؤالات هدایتگر و بسته» برای متهم را نیز می‌توان به موقعیت آنان در برابر قاضی و در جایگاه فردی که محکوم به پاسخگویی است و نه پرسشگری، نسبت داد. بنابراین تعداد چنین سؤالاتی در کلام متهمان به حداقل می‌رسد.

همچنین وقوع حداکثری شاخص‌های عدم قدرت، با تکرار شاخص «عبارات احتیاط‌آمیز» برای قضات دیده شد که آنان با استفاده از اصواتی چون «آ و ا» و یا کاربرد واژگانی مانند «ظاهراً» و «شاید» سعی می‌کنند متهمان را به بیان ناگفته‌ها تشویق نموده و به سمت اعتراف سوق دهند. درباره متهمان نیز این موضوع طبیعی است که آنان اغلب از قبول اتهام سر باز زده، با استفاده از انکار، توجیه، توضیح، طفره و تکذیب دست به مقاومت می‌زنند. از طرف دیگر، مبرهن است که علت وقوع حداقلی شاخص «عذرخواهی» برای قاضی، بی‌نیازی آنان از این مؤلفه در برابر متهمان است. کسانی اقدام به عذرخواهی و اظهار ندامت و پشیمانی می‌کنند که مرتکب اشتباه و لغزش شده و اکنون به خطای خود پی برده‌اند. درباره متهمان نیز دلیل حداقلی تکرار شاخص «ارجاع به قدرت» می‌تواند بی‌اطلاعی آنان از قوانین حقوقی و یا عدم دسترسی به منابع قدرت در جریان دادرسی باشد.

نتایج حاصل از بحث قدرت در مکالمات این پژوهش مبنی بر وقوع حداکثری شاخص «جمله‌های القایی، سؤالات هدایتگر و بسته» در قضات و همچنین درباره بروز شاخص‌های عدم قدرت مبنی بر وقوع حداکثری شاخص «انکار و توجیه» در متهمان، با نتایج پژوهش تقی‌پور و همکاران (۱۳۹۰) همخوانی دارد. ارزیابی آنها از وفور شاخص زبان‌شناختی «پرسش القایی» در اظهارات قاضی این است که وی ابتدا از پرسش‌های القایی در راستای کشف حقیقت از زبان متهم استفاده کرده و سپس با مدد از استراتژی‌های تهدید و استهزا تلاش می‌کند تا به هدف مورد نظر خود که همان

روشن‌سازی نقاط تاریک و کور پرونده است، دست یابد.

همچنین یافته‌های این تحقیق با یافته‌های پژوهش حق‌نثار فرد و افخمی (۱۳۸۶) که به استفاده از سؤالات واداری و تحمیلی در دو نوع کلی سؤالات جویای اطلاعات و سؤالات جویای تأیید به عنوان پرکاربردترین ابزار زبان‌شناختی قضات در مراحل دادرسی اشاره دارد، در یک راستاست. به‌علاوه نتایج مطالعه منصفی (۲۰۱۲) از آن جهت با نتایج پژوهش حاضر مطابقت دارد که این محقق نیز سؤالات بسته از نوع بله/خیر را پربسامدترین نوع پرسش در جلسه‌های بازجویی از شهود و خوانده عنوان می‌کند. منصفی، علت این امر را در نوع پاسخ‌دهی به اینگونه سؤالات و محدود نمودن سخنان شهود و خوانده برای رسیدن به اهداف پرونده می‌داند. بر این اساس تحلیل شاخص‌های قدرت و عدم قدرت نشان داد که این شاخص‌ها در مکالمات قضات و متهمان به یک میزان استفاده نمی‌شود؛ زیرا تفاوت معناداری در استفاده از این شاخص‌ها در مکالمات قضات و متهمان مشاهده می‌شود.

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش مبنی بر اینکه «مقولهٔ قدرت و عدم قدرت، چگونه در مکالمات دادگاه بازنمون می‌یابد»، تحلیل داده‌های این پژوهش نشان داد که مقوله قدرت در مکالمات قضات، بیشترین تا کمترین رخداد را به ترتیب در شاخص‌های «جمله‌های القایی، سؤالات هدایتگر و بسته»، «تکرار»، «تسلط»، «جمله‌های امری»، «قطع سخن» و «اعتراض» داشته‌اند. در مکالمات متهمان نیز به ترتیب شاخص‌های «تسلط»، «تکرار»، «اعتراض»، «قطع سخن»، «جمله‌های امری» و «جمله‌های القایی، سؤالات هدایتگر و بسته»، بالاترین تا پایین‌ترین رتبه را داشته‌اند.

همچنین از آمار حاصل از تحلیل داده‌ها برحسب شاخص‌های عدم قدرت در قضات و متهمان مشخص شد که قضات، بالاترین تا پایین‌ترین میزان را در شاخص‌های «عبارات احتیاط‌آمیز»، «ارجاع به قدرت»، «انکار و توجیه»، «احترام»، «التماس» و «عذرخواهی» داشته که در موارد سوم، چهارم و پنجم به میزان مساوی مبادرت به استفاده از این شاخص‌ها نموده‌اند. متهمان نیز به ترتیب از شاخص‌های «انکار و توجیه»، «التماس»، «احترام»، «عبارات احتیاط‌آمیز»، «عذرخواهی» و «ارجاع به قدرت» در گفتمان خود بهره برده‌اند.

از گزارش یادشده پیداست که مقوله قدرت و عدم قدرت به طرق مختلف در

داده‌های این پژوهش بین قضات و متهمان بازنمون داشته‌اند که در برخی شاخص‌ها، بسیار نزدیک است. برای مثال، مؤلفه «تسلط» در مقوله «قدرت» و در برخی دیگر مانند مؤلفه «التماس» در «عدم قدرت» بسیار متفاوت بودند. برای دستیابی به پاسخ این پرسش که چه تفاوتی بین قضات و متهمان در به‌کارگیری مقوله قدرت و عدم قدرت وجود دارد، نتایج نشان داد که در مقوله «قدرت»، تفاوت معناداری بین شاخص‌های «تکرار»، «قطع سخن»، و «تسلط» وجود ندارد. اما از مقایسه شاخص استفاده از «اعتراض» بین مکالمات قضات و متهمان مشخص شد که اختلاف فاحشی در کاربرد آن وجود دارد؛ به نحوی که متهمان در مقایسه با قضات، بیشترین بهره را از آن داشته‌اند. علت این امر را می‌توان تلاش متهمان در گریز از تنگنایی دانست که در آن گرفتار شده‌اند. پیامد این تلاش، واکنش متهمان در برابر اتهامات وارده و انکار جرم است که لاجرم به شکل اعتراض آمیز و با صدای بلند ظاهر می‌گردد.

همچنین از تحلیل شاخص «جمله‌های القایی، سؤالات هدایتگر و بسته» چنین به دست آمد که قضات در به‌کارگیری این مؤلفه، اختلاف بسیار فاحشی با متهمان دارند. از آنجا که گفتمان دادگاه، نوعی حکمیت زبانی است، زبان به‌کاررفته در دفاعیات آن، زبانی ارباب‌کننده و قهری است. بنابراین اغلب سؤالات آن، جنبه القایی و هدایتگر داشته، می‌توانند به راحتی متهم را در تنگنا قرار دهند و یا حتی فراتر از آن، به سخنانی وادار کنند که به هیچ‌وجه قصد بیان آن را نداشته است. این شخص قاضی است که به سبب مسئولیت خطیر خود در کشف حقیقت و اعلام رأی نهایی، سؤالات خود را تعیین و ترتیب داده و بر واژگان، عبارات، جمله‌ها، اسامی و بخشی خاص از کلام خود و یا متهم که خود تشخیص می‌دهد، تکیه و تأکید می‌کند.

شیوه‌ای که قضات و دیگر پرسشگران (بازپرسان، وکلا و نمایندگان دادستان) برای کنترل گفت‌وگو با متهمان به کار می‌گیرند، استفاده از پرسش‌های ضمیمه‌ای، تأییدی و انتخابی است. با کمک از این فن، قضات و دیگر پرسشگران یادشده سعی می‌کنند تا در دهان متهم حرف گذاشته، با القای ماهرانه ذهن خود به مخاطب، موجبات سردرگمی او را فراهم آورند و از این طریق با برقرار نمودن ارتباط نامناسب، به مقاصد خود دست یابند. این شیوه‌های گفتمان در محافل دادرسی به منظور کسب اطلاعات و اعتراف‌گیری از

متهمان به‌فوق‌العاده دید می‌شود. تمامی این اقدامات و ترفندهای یک‌طرفه که مأموران رسیدگی به پرونده‌های قضایی در قالب بازجو یا قاضی از آن بهره می‌برند، موجب اقتدار آنان در بافت‌های حقوقی می‌شود. افرادی که در محضر دادگاه حاضر می‌شوند، عموماً از این ساختار قدرت و نوع گفتمان متأثر از آن، مطلع هستند. اگر در این شیوه کلامی، خللی رخ دهد، سیر محاکمه با مشکل مواجه می‌گردد؛ به این معنا که متهم، الزامی در پاسخگویی به سؤالات احساس نمی‌کند و یا در انتخاب موضوع گفت‌وگو، خود را دخیل می‌داند.

در بیشتر سخنان قاضی، حفظ موضع، قاطعیت و جدیت، مشهود است. از آنجا که سرنوشت متهم در گرو تصمیم‌های قاضی است، گفتمان دادگاه به گونه‌ای شکل می‌گیرد که گویی متهم تحت حاکمیت پرسشگر است. این موضوع را می‌توان به‌خوبی از تعیین ضرب‌العجل‌های قضات، پند و اندرزگویی‌های آنان و استفاده مداوم از صورت امری جمله‌ها (برای مثال قاضی: خوب بگو ببینم چرا با ... قرار گذاشتی؟) دریافت. در همین رابطه، علت بهره‌مندی چشمگیر قضات از شاخص «استفاده از جمله‌های امری» در مقایسه با متهمان را می‌توان به ریاست آنان بر محکمه نسبت داد؛ زیرا در این راستا قضات تلاش می‌کنند تا به شیوه‌های مختلف، کنترل جلسات را به دست گیرند. این امر نیازمند تسلط بر امور دادگاه از طریق حفظ نظم جلسه و تعیین نوبت مشارکت گویندگان در گفتمان دادگاه است که معمولاً به صورت امر و نهی بر افراد جلوه‌گر می‌شود.

به‌علاوه از مقایسه بسامد مؤلفه‌های مقوله «عدم قدرت» مشخص شد که هیچ تفاوتی بین قضات و متهمان در استفاده از شاخص «ارجاع به منبع قدرت» وجود ندارد. به بیان دیگر، هر دو طرف به یک میزان از این شاخص بهره می‌برند. در این رابطه، قضات در تفهیم اتهام به متهمان هر جا که لازم است، به بیان مصادیق و احراز جرم با استناد به گزارش‌های اداره‌بازپرسی و مراجع قانونی دیگر اقدام می‌نمایند. در مقابل، متهمان نیز با ارجاع و استناد به برخی سخنان مدیران اجرایی، کارگزاران نظام و افراد بانفوذ تلاش می‌کنند تا اعمال خود را قانونی جلوه دهند.

اما از مقایسه مؤلفه‌های دیگر این مقوله معلوم شد که شاخص «استفاده از عبارات احتیاط‌آمیز، مکث و یا پرکننده‌های مکث مثل ای، آ، اوم و غیره» بین قضات و متهمان دارای اختلاف فاحش بوده است؛ به نحوی که متهمان، بیشترین بهره را از آن داشته‌اند.

وقتی متهمان در مقابل تخلیه اطلاعاتی خود مقاومت می‌کنند (مثلاً با واژه «نمی‌دانم») و یا سخنان خود را با مکث یا پرکننده مکث (مانند اِ) شروع می‌کنند، در واقع به نوعی احوالات درونی خود را در برابر یک قدرت بلامنازع نشان می‌دهند. دلیل به‌کارگیری متهم از این مؤلفه را می‌توان در دو مسئله عنوان نمود. درباره عبارات احتیاط‌آمیز، این امر می‌تواند ابزاری برای انکار احتمالی ادعا به هنگام برملا شدن حقیقت ماجرا باشد. از طرف دیگر، استفاده از مکث و یا پرکننده‌های آن را می‌توان کسب فرصت در ساخته و پرداخته کردن داستان‌هایی برای کتمان حقیقت دانست.

علاوه بر آن از مقایسه شاخص «انکار، توجیه و توضیح، طفره و تکذیب» مشخص شد که سهم متهمان در به‌کارگیری این مؤلفه در مقایسه با قضات، بسیار چشمگیر بوده، اختلاف بین آنان، فاحش است. دلیل این امر، موقعیت سختی است که متهمان در آن قرار دارند و با توسل به این نوع کلام می‌خواهند خود را از مهلکه برهانند. بنابراین مدام دست به انکار و تکذیب می‌زنند، از بیان واقعیت خودداری کرده، دائماً از پاسخ به سؤالات طفره می‌روند، و بیشتر در پی توجیه عملکرد خود و ارائه دلیل آن هستند. از مقایسه شاخص «نشانگرهای احترام و تشکر» نیز آشکار شد که متهمان در استفاده از این مورد، تفاوت فاحشی با قضات داشتند. این موضوع نشان می‌دهد که متهمان از جایگاه قضاوت و شأن و مقام قاضی آگاه بوده، می‌دانند که در محضر دادگاه باید متانت به خرج دهند و با مقامات آن در کمال ادب و احترام رفتار نمایند.

علاوه بر آن از مقایسه شاخص «مظلوم‌نمایی، التماس و پذیرش» بین قضات و متهمان معلوم شد که اختلاف فاحشی بین آنان در به‌کارگیری این مؤلفه وجود دارد؛ به نحوی که سنگینی کفه این ترازو به سمت متهمان است. آنچه مسلم است اینکه متهمان با مبادرت به این نوع کلام، قصد دارند تا ترحم دادگاه را نسبت به خود برانگیزند و شاید از این طریق بتوانند به تخفیفی در مجازات خود دست یابند.

درباره شاخص «اظہار ندامت و عذرخواهی» نیز معلوم شد که اختلاف فاحشی بین قضات و متهمان در به‌کارگیری این مورد وجود دارد. بدیهی است که علت چنین رخدادی را می‌توان در موقعیت متهمان جست‌وجو کرد؛ زیرا آنان هستند که مرتکب جرم و جنایت شده و اکنون که در محضر عدالت دادگاه قرار گرفته‌اند، چاره‌ای جز ابراز

شرمندگی و پشیمانی از کرده خود ندارند. متهمان با تمام سرسختی‌های خود می‌دانند که در نهایت باید تسلیم حق شده، گرنش نمایند. لازم به ذکر است که کارکرد اندک این شاخص در کلام قضات مربوط به زمانی است که آنان به دلیل اثبات نکردن جرم، با کاربرد کلماتی نظیر «شاید»، «ممکن است» و مانند آن، با احتیاط با متهم سخن می‌گویند. مانند آنچه در دادگاه مشاهده شد.

### نتیجه‌گیری

آنچه از بحث درباره مقایسه کاربرد شاخص‌های گفتمانی قدرت در مکالمات قضات و متهمان به دست آمد، نشان می‌دهد که قضات به ترتیب در به‌کارگیری دو شاخص «جمله‌های القایی، سوالات هدایتگر و بسته» و «جمله‌های امری»، دارای اختلاف معنادار با متهمان هستند. متهمان نیز در استفاده از شاخص «اعتراض» دارای اختلاف معنادار با قضات هستند. همچنین از بحث درباره مقایسه شاخص‌های عدم قدرت آشکار شد که متهمان در استفاده از تمام شاخص‌ها، به جز شاخص «ارجاع به قدرت»، دارای اختلاف معنادار با قضات هستند.

متهمان داده‌های این پژوهش را دو گروه از افراد تشکیل می‌دادند. گروه اول، متهمان دانه‌درستی بودند که به دلیل پست‌های اجرایی در سطح کلان و ملی، دارای نفوذ بوده، از حمایت‌های سیاسی و اجتماعی گسترده برخوردار بودند. بنابراین سعی می‌کنند تا با نشان دادن «تسلط» بر دادگاه، «اعتراض» نسبت به قاضی و با استفاده از ترفندهای مختلف از جمله «قطع سخن» قاضی، اقتدار خود را به رخ کشند. بنابراین در مواجهه با این افراد، اعمال قدرت قاضی در شاخص‌های یادشده کم‌رنگ شده، ابزاری در دست متهم می‌گردد. اما گروه دوم، متهمان بی‌نام و نشانی هستند که به طبقات پایین جامعه تعلق دارند و بدون هیچ پشتوانه مالی، اجتماعی و سیاسی در دادگاه از خود دفاع می‌کنند. بنابراین در مقابل ساختار قدرت در این بافت گرنش نشان می‌دهند، با عوامل قضایی محترمانه سخن می‌گویند، از ضمائر و افعال جمع در گفتار خود استفاده می‌کنند و اغلب با اظهار ندامت و پشیمانی، اتهام خود را می‌پذیرند.

اما به عنوان نتیجه کلی، بر اساس آنچه درباره شاخص‌های زبان‌شناسی قدرت و



عدم قدرت از منظر گیبونز (۲۰۰۳) و آفاگلزاده (۱۳۹۱) گفته شد، روابط نامتقارن قدرت را می‌توان در دادگاه‌ها به وضوح دید. در سراسر مکالمات این پژوهش نیز رابطه قدرت در سیر پرسش و پاسخ‌های یک‌طرفه که از سوی قاضی در جریان است، مشاهده می‌شود. بنا بر اظهارات گیبونز (۱۹۹۴)، یکی از روش‌های اعمال قدرت در محافل قضایی، شیوه‌های پرسش‌گری از متهم است که از این طریق متهمان به سمت پاسخ مورد نظر قضات سوق می‌یابند. استفاده حداکثری متهمان از شاخص‌های عدم قدرت در مقایسه با بهره‌گیری حداقلی قضات از این شاخص‌ها، شاهد دیگری است که بر ادعای وجود اعمال قدرت از سوی قضات در گفتمان دادگاه صحه می‌گذارد.

ساختار قدرت، مبنای قوانین گفتاری دادگاه را تشکیل می‌دهد و به صورت نمادین در ترکیب فیزیکی و ظواهر این مکان نیز قابل مشاهده است. همان‌طور که در پیکره داده‌های این پژوهش نیز دیده شد، در بافت کلام دادگاه، زمانی که یک طرف از افراد حاضر در دادگاه از گفت‌وگو به عنوان پشتوانه تفوق اجتماعی و سیاسی از اقتدار برخوردار می‌شود، حق بیشتری در سخن گفتن و استفاده از ترفندها و ابزار زبانی کسب می‌کند. هرچند به گفته برخی صاحب‌نظران، قدرت، امری ناپایدار و بی‌ثبات است، در بافت دادگاه، متهمان با هر میزان اقتدار، قادر به کنترل رخداد کلامی، انتخاب و تغییر موضوع نیستند. بنابراین در این بافت همیشه تابع قدرت محسوب می‌شوند.

نتایج مطالعه حاضر می‌تواند عمل نظارتی قضات را در سیر تعاملات دادگاه و گفت‌وگوی بین طرفین دعوی و اشخاص دیگری که در این مذاکرات شرکت دارند، محکم‌تر و دقیق‌تر نماید. درباره متهمان نیز یافته‌های این پژوهش می‌تواند الگویی برای بهره‌گیری از یک زبان مناسب، عاری از مکر، تندی و ناراستی و در عین حال با قابلیت دفاع و تأثیرگذار در تعاملات دادگاه باشد.

## منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۱) زبان‌شناسی حقوقی (نظری و کاربردی)، ویراست دوم، تهران، علم.
- (۱۳۹۴) زبان‌شناسی حقوقی: تحلیل گفتمان حقوقی، تهران، نویسه پارسی.
- باغبانی، غزل و فاطمه کرم‌پور (۱۳۹۶) «بررسی چگونگی رابطه بین شاخص قدرت و پدیده ادب زبانی در روند بازجویی به لحاظ زبان‌شناختی: رویکردی گفتمانی و حقوقی»، پژوهش‌های زبانی، سال هشتم، شماره ۲، صص ۱-۲۰.
- بریگز، استیون (۱۳۹۷) جرم‌شناسی، ترجمه مریم مهذب، تهران، آوند دانش.
- تقی‌پور، مرجان و دیگران (۱۳۹۰) رابطه زبان و قدرت در دادگاه‌های کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، به راهنمایی نیما مرندی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران.
- حساس‌خواه، ژاله و معصومه ارجمندی (۱۳۹۹) «گفتمان‌کاوی دو متن قانون اساسی ایران در قرن بیستم و رابطه آن با قدرت»، فصلنامه علمی زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء<sup>(س)</sup>، سال دوازدهم، شماره ۳۵، صص ۲۰۶-۲۴۰.
- حق‌نثار فرد، پگاه و علی افخمی (۱۳۸۶) تحلیل گفتمان قضایی: زبان‌شناسی قضایی، به راهنمایی علی افخمی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
- دهقان، مسعود و ژیلا مهربانی (۱۴۰۱) «بازنمایی مؤلفه‌های گفتمانی و کلا در اقعان قضایی از منظر زبان‌شناسی حقوقی (مطالعه موردی: گفتمان پرونده‌های کیفری)»، مجله جستارهای زبانی، دوره سیزدهم، شماره ۲، صص ۵۲۹-۵۶۲.
- زائری، عظیمه و دیگران (۱۳۹۶) «توصیف و تحلیل شیوه‌های زبانی و فرازبانی و کلا جهت اقعان در دادگاه‌های علنی ایران: تحلیل گفتمان دادگاه کیفری»، دو ماهنامه جستارهای زبانی، دوره هشتم، شماره پنجم، صص ۱۳۹-۱۵۸.
- سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۷) قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشرنی.
- سیدمرضان، خدیجه و فاطمه پورمسجدیان (۱۴۰۰) «واکاوی سبک نوشتاری دادنامه‌های حقوقی و کیفری بر پایه فرانش اندیشگانی»، فصلنامه علمی زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء<sup>(س)</sup>، سال سیزدهم، شماره ۳۹، صص ۳۱۲-۳۳۱.
- صبری، مژگان و دیگران (۱۳۹۷) «تحلیل گفتمان پلیس-متهم در حوزه زبان‌شناسی اجتماعی حقوقی»، فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی، دوره دوم، شماره اول، صص ۹۹-۱۰۹.

عباس‌زاده، فرنگیس و دیگران (۱۳۹۹ الف) «تحلیل نشانگرهای کلامی و سبکی در گفتمان حقوقی دادگاه‌های انقلاب»، مجله زبان فارسی و گویش‌های ایرانی، سال پنجم، دوره دوم، صص ۲۳۱-۲۴۴.

----- (۱۳۹۹ ب) «تأثیر گفتمان حقوقی بر کاربرد واژگان در دادگاه مدنی بر اساس طبقه‌بندی روابط مفهومی»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۴۴، صص ۳۲۵-۳۴۴.

----- (۱۴۰۰) «تجزیه و تحلیل هنجارهای زبانی گفتمان در محاکم کیفری بر اساس نظریه مک‌منامین (مطالعه موردی: در دادگاه کرباسچی)»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره نهم، شماره ۱۸، صص ۴۰۷-۴۳۳.

مؤمنی، نگار و سیروس عزیزی (۱۳۹۴) «نقش تغییر موضوع و نقض اصول گرایس توسط متهم در بازجویی‌ها (مطالعه موردی: در آگاهی تهران بزرگ)»، فصلنامه زبان پژوهی، سال هفتم، شماره ۱۶، صص ۱۵۹-۱۷۵.

- Bogdan, R. C., & Biklen, S. K. (2007) *Qualitative research for education: An introduction to theory and methods* (5<sup>th</sup> ed.) Boaton: Allyn & Bacon.
- Conley, J. M., O'barr, W. M., & Allan Lind, A. E. (1978). The power of language: Presentational style in the courtroom. *Duke Law Journal*, 2(8), 1375-1399.
- Creswell, J. W. (2009) (3<sup>rd</sup> ed.) Thousand oaks. CA: Sage.
- Gibbons, J. (1994) *Language and law*. London & New York: Longman Publishing. <https://doi.org/10.4324/9781315844329>
- Gibbons, J. (2003) *Forensic linguistics: An introduction to language in the justice system*. Oxford: Blackwell Publishing Ltd.
- Heydon, G. (2005) *The language of police interviewing: A critical analysis*. Hampshire: Palgrave Macmillan. <https://doi.org/10.1057/9780230502932>
- Hutauruk, B, S., Murni, S. M., Sinar, T. S., & Saragih, A. (2022) Speech function and presupposition in Indonesia courtroom discourse. *Journal of Positive School Psychology*, 6(4), 6907-6915.
- Mohammed Ali, J. H. (2020) Forensic linguistics: A study in criminal speech acts. *BSU International Journal of Humanities and Social Science*, (BIJHS) 2(1), 39-65.
- Monsefi, R. (2012) Language in criminal justice: Forensic linguistic in Shipman trial. *International Journal of Law, Language and Discourse*, 2(2), 43-69.
- Olsson, J. (2004) *Forensic linguistics: An introduction to language, crime and the law*. London and New York, Continuum.